

تاثیر نابهنجاری های ارقام تعهدی بر ساختار سرمایه

حمید دانش فرد، رسول عبدی

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب

چکیده:

مقاله حاضر به بررسی تاثیر نابهنجاری های ارقام تعهدی بر نسبت بدهی‌های کوتاه مدت و بلند مدت به دارائی‌ها در شرکت‌های منتخب پذیرفته شده در بازار بورس اوراق بهادار است. جامعه آماری پژوهش را شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار ایران تشکیل می‌دهد و نمونه آماری به روش حذفی و با در نظر گرفتن شرایط زیر انتخاب شده است. نمونه آماری مطالعه حاضر و قلمرو زمانی پژوهش با در نظر گرفتن اطلاعات نزدیک به زمان پژوهش یک دوره ۶ ساله طی دوره زمانی سال ۱۳۸۹ تا سال ۱۳۹۵ تعیین شده است. در این پژوهش از روش توصیفی پیمایشی استفاده شده است. هم چنین از حیث نوع مطالعه حاضر یک پژوهش کاربردی است. از روش کتابخانه‌ای برای جمع آوری اطلاعات مربوط به ادبیات و بررسی پیشینه پژوهش و روش میدانی برای جمع آوری اطلاعات مربوط به بازار بورس تبریز استفاده شده است. لذا برای جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز در لایه‌های مختلف پژوهش از اطلاعات موجود در اسناد، مدارک و گزارشات به دست خواهد آمد. برای آزمون فرضیات مطالعه حاضر از آزمون همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی استفاده شد، تا اثر نابهنجاری‌های ارقام تعهدی بر نسبت بدهی‌های کوتاه مدت به دارائی‌ها و نسبت بدهی‌های کوتاه مدت به دارائی‌ها بررسی گردد. نتایج حاصل از یافته‌های مطالعه حاضر حکایت از آن دارد که نابهنجاری‌های ارقام تعهدی ارتباط مستقیم و معنی داری با ساختار سرمایه دارد. هم چنین نابهنجاری‌های ارقام تعهدی ارتباط مستقیم و معنی داری با نسبت بدهی‌ها به دارائی‌ها دارد.

۱ مقدمه

یکی از موضوعات بحث برانگیز در ادبیات مالی، فرضیه بازارهای کارا است که در دهه ۷۰ میلادی مطرح گردید. در این فرضیه بیان می‌شود که سرمایه‌گذاران اکثراً آگاه و منطقی بوده و نسبت به اخبار و اطلاعات جدید وارده به بازار واکنش صحیح و منطقی نشان می‌دهند. بدین ترتیب قیمت‌های سهام نسبت به اطلاعات جدید واکنشی سریع، کامل و بدون تورش داشته و در هر لحظه از زمان نشان دهنده ارزش ذاتی و واقعی آنها می‌باشد (کرمی، ۱۳۹۳). نابهنجاری ارقام تعهدی به‌عنوان یکی از پدیده‌های مشاهده شده در بازار سرمایه، بسیاری از پژوهشگران را به جستجوی عوامل ایجاد آن واداشته است. در دنیای واقعی معمولاً سرمایه‌گذاران عملکرد شرکت‌ها را با توجه به همبستگی سود هر شرکت با سود سایر شرکت‌ها و یا میانگین سود صنعت مورد ارزیابی قرار می‌دهند. از زمان مطالعات مودیلیانی و مولر در سال ۱۹۵۸، نتایج پژوهش‌های گانی^۱ و همکاران (۲۰۱۱) نشان داده است که ساختار سرمایه شرکت‌ها از ویژگی‌های ارقام تعهدی شرکت‌ها تأثیر می‌گیرند. در این میان به نظر می‌رسد با توجه به اهمیت ساختار سرمایه در تصمیمات مدیران، نیاز به پژوهشی باشد که با تعریف دقیق و مناسب از ساختار سرمایه و عوامل تأثیر گذار روی آن، گامی موثر در راستای تجزیه و تحلیل ساختار سرمایه برداشته شود. از این رو در پژوهش حاضر با بررسی نتایج پژوهش‌های مختلف انجام شده داخلی و خارجی نظیر راجان^۲ و زینگلاس^۳ (۲۰۰۱) تعاریف مختلفی مختلفی از ساختار سرمایه انجام شده است. زیرا پژوهشگران مختلف مانند تیمن^۴ و واسل^۵ (۱۹۸۸) ون در ویست^۶ و توریک^۷ (۱۹۹۳)، راجان و زینگلاس (۱۹۹۵) و سانگ^۸ (۲۰۰۵) نشان داده‌اند که اشکال و تعاریف مختلفی از نابهنجاری ارقام تعهدی